



انسجام ساختاری و معنادار میان دو علم جغرافیا و تاریخ وجود دارد

یک محقق در همایش ملی جغرافیای تاریخی گفت: انسجامی ساختاری و پیوندی ارگانیک، مستمر و معنادار میان دو علم جغرافیا و تاریخ وجود دارد که ماحصل ترکیبی آن جغرافیای تاریخی را شکل می‌دهد.

یک محقق در همایش ملی جغرافیای تاریخی گفت: انسجامی ساختاری و پیوندی ارگانیک، مستمر و معنادار میان دو علم جغرافیا و تاریخ وجود دارد که ماحصل ترکیبی آن جغرافیای تاریخی را شکل می‌دهد.

به گزارش خبرگزاری مهر، نخستین همایش ملی «جغرافیای تاریخی» با حضور اساتید، صاحب‌نظران، دانشجویان و علاقه‌مندان حوزه تاریخ، جغرافیا، باستان‌شناسی، معماری و سایر رشته‌های مرتبط در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. سومین بخش از نشست روز اول با حضور علیرضا ملائی‌توانی، لیلا خسروی، حسن بیگ‌محمدی و محمدرضا احتشامی برگزار شد.

علیرضا ملائی‌توانی دانشیار پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اولین سخنران این بخش سخنان خود را تحت عنوان «ماهیت، چیستی و قلمرو جغرافیای تاریخی» ارائه داد.

وی گفت: جغرافیای تاریخی به عنوان یک علم از تعامل دو دانش جغرافیا و تاریخ پدید آمده است و تاکنون در ارتباط با روش‌شناسی جغرافیای تاریخی به عنوان یک علم میان رشته‌ای مطالعات قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفته است. به همین دلیل فهم‌های متنوع و ابهاماتی در این رشته وجود دارد. مجموعه تلاش‌های انجام گرفته در این حوزه نشان می‌دهد که افرادی سعی بر آن دارند جغرافیای تاریخی را صرفاً در قلمرو علم جغرافیا یا به عکس، در حوزه علم تاریخ قرار دهند.

وی افزود: بنابراین نخستین پرسش مهم در این حوزه این است که جغرافیای تاریخی چیست و موضوعات، قلمرو، روش‌های تحقیق در آن کدام است و تحت تأثیر چه علوم و دانش‌هایی قرار دارد. قلمرو موضوعی جغرافیای تاریخی فراتر از دانش جغرافیا و تاریخ است، ضمن اینکه از آموزه‌های هر دو دانش بهره می‌گیرد. موضوعات مورد مطالعه جغرافیای تاریخی وسیع است و به عنوان یک دانش میان رشته‌ای نه جغرافیاست و نه تاریخ بلکه در مرز علم و جغرافیا قرار دارد و از اصول و روش‌های هر دو به صورت توأم بهره می‌گیرد اما نه از نظر موضوعی و نه از نظر روشی هرگز در سطح دانش‌های تاریخ و جغرافیا متوقف نمی‌شود.

لیلا خسروی استادیار گروه تاریخ پژوهشکده باستان‌شناسی دومین سخنران این بخش، سخنرانی خود را با موضوع «مکان‌یابی احتمالی سرزمین ساماتورا مرکز حکومت سَمْتیان براساس کتیبه‌ها و متون تاریخی» ارائه داد.

وی گفت: پیشینه تاریخی مناطق تحت نفوذ ایلام و کشف گنجینه‌های نفیس ارجان، کلماکره و رامهرمز موضوع بسیار مهمی است که باید مورد توجه باستان‌شناسان و پژوهشگران قرار بگیرد. گنجینه غار کلماکره لرستان در سال 1368 در 20 کیلومتری شمال غرب پلدختر به طور اتفاقی توسط روستائیان کشف شد. با توجه به کتیبه‌های منقور روی اشیاء، شاهکان ساماتورا صاحبان گنجینه کلماکره هستند که از اقوام هند و ایرانی بودند که در هزاره اول ق.م درکنار رود سیمره در جنوب لرستان ساکن شدند و سلسله محلی سَمْتی را پایه‌گذاری کردند.

این محقق اظهارداشت: روی برخی از این اشیاء کتیبه‌هایی به خط آرامی کهن، آشوری نو و ایلامی دیده می‌شود که اشاره به نام پنج نسل از فرمانروایان محلی سَمْتی دارد. سران این خانواده به دومین نسل، عنوان پادشاه ساماتورا دادند که بیشتر اشیاء کلماکره متعلق به این پادشاه است. اسامی خاص آنها به ما اجازه می‌دهد که این اشیاء را به گنجینه‌ای از اشیاء قیمتی جمع شده، در یک خانواده سلطنتی محلی، منتسب بدانیم، اما نام سرزمین ساماتورا تا امروز به درستی شناخته نشده است.

وی تصریح کرد: ساماتورا نام یکی از ممالک کوچک لرستان در حوضه رود سیمره بوده که در طول قرن هفتم و اوایل قرن ششم ق.م به وسیله شاهکان محلی سَمْتی که در آن زمان در میان قلمروهای سیاسی پرشمار زاگرس موقعیت ممتازی داشت، اداره می‌شده است که فرانسوا والا از آنها با عنوان حکمرانان سَمْتی نام می‌برد. حال آن‌که سرزمین آنها در یک مفهوم وسیع مادی در نظر گرفته می‌شود. آنان مانند الیبیها در عین حال که ایلامی مآب بودند، اما روابط دوستانه‌ای با آشوریان داشتند، ولی آشور همیشه برای آنان دشمنی خطرناک به حساب می‌آمد و به همین دلیل آنها از ترس غارت و دستبرد توسط آشوریان، گنجینه سلطنتی اجدادیشان را در غار صعب‌العبور کلماکره پنهان می‌کنند. مطالعه این اشیاء موجب آشکار شدن نام یک سلسله گمنام محلی ایرانی گردید که عرصه جدیدی را در مطالعات باستان‌شناسی دوران تاریخی به وجود آورد.

سومین سخنران این بخش حسن بیگ‌محمدی دانشیار دانشگاه اصفهان شاخص پژوه در مورد ارتباط بین تاریخ و جغرافیا گفت: تاریخ، علم زمان است و در تمام حوادث تاریخی زمان دارای اهمیت است. تاریخ دو چهره دارد بخشی از آن مربوط به حوادث گذشته است که تمام این حوادث ثبت نشده‌اند و تحت عنوان تاریخ سینه به سینه یا محلی منتقل شده‌اند. حوادث، زمانی به تاریخ می‌پیوندند که مدت زمان آنها سپری شده باشد لذا تاریخ بسیاری از حکومت‌ها دوگانه است.

وی افزود: جغرافیا مکان است، حوادث تاریخی در یک مکان رخ می‌دهند و این مکان جغرافیاست. ارتباط تنگاتنگی بین حوادث تاریخی و مکان‌های جغرافیایی وجود دارد که قابل تفکیک از یکدیگر نیستند. جغرافیا و تاریخ رابطه‌ای بسیار دیرینه دارند و چنان درهم آمیخته‌اند که جدایی آنها مشکل به نظر می‌رسد. هرودوت اولیت مورخ و جغرافی‌دانی است که حوادث تاریخی را در یک بستر جغرافیایی مورد مطالعه قرار داده است. در نهایت اینکه کشف سرزمین‌های جدید منجر به فعالیت‌های تاریخی شده و فعالیت‌های تاریخی نیز در جهت کشف سرزمین‌های جدید بوده است.

آخرین سخنران این بخش محمدرضا احتشامی دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی بود که سخنرانی خود را تحت عنوان «فضایی اندیشی در تاریخ: جغرافیای تاریخی یا تاریخ جغرافیایی؟» ارائه داد. وی در این سخنرانی به ارائه مقاله‌ای که با همکاری یاشار ذکی استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران به نگارش درآمده بود پرداخت.

وی بیان کرد: انسجامی ساختاری و پیوندی ارگانیک، مستمر و معنادار میان دو علم جغرافیا و تاریخ وجود دارد که ماحصل ترکیبی آن جغرافیای تاریخی را شکل می‌دهد. جغرافیا به عنوان «تاریخ زمان حال» و «وجه مادی تاریخ»، سازه‌ای است که به تدریج و بدون انقطاع در مسیر تاریخ تحول و تکامل یافته است. از این رو، پیوستن این دو رشته علمی در فضاهای مرزی شان تولد دو فرزند میان رشته‌ای، «جغرافیای تاریخی» و «تاریخ جغرافیایی»، را به همراه داشت.

احتشامی گفت: در طول زمان، جغرافیا به شدت تحت‌الشعاع موفقیت فزاینده تاریخ قرار گرفت چون تاریخ خود یک رشته دانشگاهی و عنصر بنیادین ایدئولوژی مدرنیستی پیشرفته بود. به طوری که آن عموماً خود را به توصیف عناصر اصلی عرصه جغرافیای طبیعی محدود می‌نمود که رویدادهای تاریخی و داستان تاریخ بشری بر روی آن به معرض نمایش درمی‌آمد.

در ادامه سه روند و خط پژوهشی را که در تکوین جغرافیای تاریخی می‌توان ردیابی کرد را در سه طبقه: بازساخت چشم اندازهای گذشته، چشم اندازهای تاریخی، روابط متقابل محیطی بررسی کرد.

وی اظهارداشت: در نهایت اینکه جغرافیای تاریخی این است که بخشهایی از تاریخی را در دالان زمان برش دهیم که به موجب آن برشهای ایجاد شده بتوانیم تصویر جغرافیایی کامل از منطقه یا کشور مورد بحث را در لحظه برش تاریخی ارایه نماییم. عملکرد واقعی جغرافیای تاریخی آن است که جغرافیای منطقه ای زمان گذشته را بازسازی نماید.

این محقق با اشاره به اینکه مهارت‌های فضایی اندیشی یک مجموعه مهم از توانمندی‌هایی است که می‌توان با آن جهان پیرامون را بررسی کرد، گفت: این مهارت‌ها جغرافی‌دانان را قادر می‌سازند که روابط فضایی بین اشیاء مانند موقعیت، فاصله، جهت، شکل و الگو را مجسم نمایند و تحلیل کنند. در فضایی اندیشی تاریخ، زبان و متن و نیز تجسم‌ها مورد تأکید و تمرکز هستند اینجاست که پای تاریخ دیجیتالی به عرصه باز می‌شود و به معنی آن است که از کامپیوتر در تاریخ فضایی استفاده نماییم. در فضایی اندیشی جغرافیای تاریخی، حیاتی‌ترین جنبه خروج ما از هنجارهای این حیطه علمی همانا تأکید مفهومی ما بر فضا است.